

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم و صلى الله على محمد وآله الطاهرين

بیست و هفتم رجب ۱۴۴۴ مطابق با ۱۴۰۱/۱۱/۲۹

عید مبعث رسول اعظم محمد بن عبدالله (صلی الله علیه وآله)

سایه سار بعثت؛ بیست و هفتم رجب سالروز مبعث حضرت رسول اکرم (ص) را به پیشگاه اهلبیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) به ویژه ولی عصر و حجت حق امام زمان (عج) و به همه دوستان و ارادتمندان به مکتب رسالت و ولایت و همه مسلمانان و ستمدیدگان و محرومین جهان تبریک و تهنیت عرض می کنم.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيلَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاتِحَ الْخَيْرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْوَحْيِ وَ التَّنْزِيلِ السَّلَامُ
عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّرَاجُ الْمُنِيرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْهَادِينَ الْمُهْدِيِّينَ

ماه فروماند از جمال محمد سرو نباشد به اعتدال محمد

«سعدی»! اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمد بس است و آل محمد

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در روایتی می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - فَضَّلَ أَنْبِيَائَهُ الْمُرْسَلِينَ عَلَى مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَفَضَّلَنِي عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ... - خدای متعال ، پیامبران مرسل خویش را بر فرشتگان مقربش برتری داد و مرا بر تمامی پیامبران و مرسلان برتری بخشید...» (بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۴۵. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۹۸)

موضوع تدبر:

برتری و فضیلت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) و امتیاز او بر سایر انبیاء (علیهم السلام) به چه دلایل و از چه جهاتی بوده و چه پیام هایی برای جهانیان دارد؟

پاسخ اجمالی:

ظهور مقام قدسی «جمع الجمع بین صفات جمال و جلال» در وجود آن حضرت و نیز مقام جمع میان وجه الهی و وجه الخلقی ، مقام عبودیت ، خاتمیت و ولایت ایشان بر سایر انبیاء، الگو و اسوه حسنه بودن حضرتش و شاهد بر امت ها و انبیا بودن و نیز برتری قرآن بر دیگر کتب الهی، جهان شمولی و جاودانگی اسلام، و برتری ثمرات رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) از جمله دلایل و جهات امتیاز آن سرور شمرده می شود.

آنچه پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) از پیروانش انتظار دارد: بیعت آگاهانه، اطاعت خالصانه و دفاع جانانه از آیین و دستورات الهی یعنی اسلام است.

جهان بهشت وصال محمد است امشب چراغ ماه، بلال محمد است امشب
 زمین مکه گل انداخته ز بوسه نور خدیجه محو جمال محمد است امشب
 تفصیل بیش تر مطلب این است که:

صفات حق تعالی در یک تقسیم به دو دسته تقسیم می شود: صفات جمالیه؛ که مقصود از آن صفاتی است که حکایت گر لطف و رحمت بی کران خداست مانند: تَوَّابٌ، غَفَّارٌ، سَتَّارٌ، رَزَّاقٌ، رَحْمَنٌ، رَحِيمٌ و...: «إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ - و هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، پس بگو: سلام بر شما! پروردگارتان بر خودش رحمت را مقرر کرده است که هر کس از شما از روی نادانی کار بدی انجام دهد و پس از آن توبه کند و خود را اصلاح نماید، پس قطعاً خداوند، آمرزنده و مهربان است» (انعام/۵۴) و نیز می فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ - ای بندگان من که بر نفس خویش اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند مأیوس نشوید، همانا خداوند همه گناهان را می بخشد، زیرا که او بسیار آمرزنده و مهربان است» (زمر/۵۳) بلکه بالاتر از آن می فرماید: «إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا - مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند. پس اینان (کسانی هستند که) خداوند بدی هایشان را به نیکی تبدیل می کند، و خداوند آمرزنده و مهربان است» (فرقان/۷۰)

از صفات دیگر حق تعالی صفات جلالیه است؛ مقصود از صفات جلالیه آن دسته از صفاتی است که حکایت گر عظمت، کبریایی و بزرگی حق تعالی است مانند: منتقم، قهار، عزیز، متکبر که باعث خشیت و خوف می شود؛ «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ * وَبَاقِيَ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ - هر که روی زمین است، فنا پذیرد و (تنها) ذات پروردگارت که دارای شکوه و اکرام است، باقی می ماند.» (الرحمن/۲۶-۲۷)

اولیاء الهی و انبیاء عظام (علیهم السلام) در سلوک باطنی به سه دسته تقسیم می شوند: آنها که در وجودشان صفات جلالیه حق تعالی بیش تر جلوه دارد؛ همچون موسی بن عمران و شعیب (علیهما السلام) از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «حضرت: شعیب علیه السلام به عشق خدا آن قدر گریه کرد تا نابینا شد، خداوند او را بینا کرد، باز آن قدر گریست تا نابینا شد، باز خداوند او را بینا کرد، برای بار سوم نیز آن قدر به عشق الهی گریست که نابینا شد، خداوند باز او را بینا کرد، در مرتبه چهارم خداوند به او چنین وحی کرد: «ای شعیب! تا کی به این حالت ادامه می دهی؟ اگر گریه تو از ترس آتش دوزخ است، آن را بر تو حرام کردم، و اگر از شوق بهشت است، آن را برای تو مباح نمودم». شعیب علیه السلام عرض کرد: «الهی و سیدی أَنْتَ تَعْلَمُ أَنِّي مَا بَكَيْتُ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَ لَا شَوْقًا إِلَى جَنَّتِكَ، وَ لَكِنْ عُقْدَ حُبِّكَ عَلَى قَلْبِي فَلَسْتُ أَصْبِرُ أَوْ أَرَكَ - ای خدای من و ای آقای من! تو می دانی که من نه از خوف آتش دوزخ تو گریه می کنم، و نه به خاطر اشتیاق بهشت تو، بلکه حبّ و عشق تو در قلبم گره خورده که قرار و صبر ندارم تا تو را (با چشم دل) بنگرم و به درجه نهایی عرفان و یقین برسم و مرا به عنوان حبیب درگاهت بپذیری.» (بحار، ج ۱۲، ص ۳۸۱)

برخی دیگر از انبیاء و اولیاء، صفات جمالیه حق تعالی بیش تر در آنها جلوه دارد؛ همچون عیسی بن مریم (ع) که سخت دل بسته به رحمت و لطف بی کران حق تعالی بود و هم امت خویش را امیدوار و دل

بسته به رحمت حق تعالی نموده است. در میان اولیاء الهی رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و نیز اهل بیت عصمت و طهارت، دارای مقام «جمع الجمع اند»، از همین رو از سول گرامی صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «رَحِمَ اللهُ أَخِي عِيسَى كَأَنَّ عَيْنَهُ الْيُسْرَى عَمِيَاءَ، رَحِمَ اللهُ أَخِي مُوسَى كَأَنَّ عَيْنَهُ الْيُمْنَى عَمِيَاءَ. أَنَا ذُو الْعَيْنَيْنِ - خداوند برادرم عیسی را رحمت کند، چشم چپ او نابینا بود. خداوند برادرم موسی را رحمت کند، چشم راست او نابینا بود، اما من هر دو چشمم بیناست.» (فتوحات مکیه، ج ۳، ص ۱۴) برخی از اهل معرفت تعبیر «وجه الخلق» و «وجه اللهی» را به کار برده اند؛ یا تعبیر خوفی و عشقی بودن را بکار می برند و برخی اولیاء الهی را مانند حضرت یحیی (ع) خوفی و حضرت عیسی (ع) را عشقی می دانند. برتری پیامبر اعظم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بر انبیای گذشته در جامعیت آن حضرت دانسته شده که با بررسی آیاتی که بیانگر این مطلب در جهات مختلف است، معلوم می گردد.

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی که نبی شد پسر آمنه، ماه عربی
بعثتی کرد که ابلیس طمع کرد به عفو رحمتی کرد که خاموش شود هر غضبی

برخی از مهم ترین مستندات قرآنی و روایی برای جامعیت و افضلیت پیامبر اسلام (ص) را می توان چنین ذکر نمود:

بشارت های انبیای گذشته: امام باقر (علیه السلام) فرمود: «لَمْ تَزَلِ الْأَنْبِيَاءُ تُبَشِّرُ بِمُحَمَّدٍ حَتَّى بَعَثَ اللَّهُ الْمَسِيحَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ، فَبَشَّرَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ- پیغمبران همواره به آمدن محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) مژده می دادند، تا آن که خداوند حضرت مسیح، عیسی بن مریم (علیه السلام) را مبعوث کرد، او به رسالت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بشارت داد.» (بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۴۸) قرآن مجید درباره این مژده حضرت عیسی (علیه السلام) می فرماید: «وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ... - و هنگامی که عیسی بن مریم گفت: ای فرزندان اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شما، تصدیق کننده کتابی که پیش از من فرستاده شده، هستم و بشارت دهنده به رسولی که بعد از من می آید و نامش «احمد» است...» (صف/۶)

برتری قرآن بر دیگر کتب الهی: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیثی می فرمایند: «فَضَّلُ الْقُرْآنِ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ عَلَى خَلْقِهِ - برتری قرآن نسبت به دیگر سخنان، مانند برتری خداوند جل جلاله بر خلق اوست.» (بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۹) و نیز قرآن کریم می فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ... - ما این کتاب «قرآن عظیم» را به حق بر تو فرستادیم که تصدیق به درستی و راستی همه کتبی که در برابر اوست نموده و بر حقیقت کتب آسمانی پیشین گواهی می دهد.» (مائده/۴۸)

محمد خاتم پیغمبران شد	محمد بهترین خلق جهان شد
گرفته از خدا امر رسالت	کزو قرآن و عترت جاودان شد
محمد صاحب لطف و کرامت	که اعجازش کتاب آسمان شد

مقام عبودیت پیامبر اسلام: رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «أَدَمُ وَمَنْ دُونَهُ تَحْتَ لَوَائِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ - حضرت آدم (علیه السلام) و پیامبران بعدی در زیر لوی من هستند» (بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۴۰۲) چنانکه می فرماید: «أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ وَ لَا فَخْرَ، أَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ، وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (بحار، ج ۹، ص ۲۹۴)

پیمان از انبیای الهی: از آیات دیگری نیز افضلیت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بر سایر انبیاء اثبات می شود، مثلاً آنجا که خداوند پیمان و میثاق از انبیاء بر ایمان به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) گرفته و می فرماید: «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ - چون خداوند از پیامبران پیمان تبلیغ (دین توحید) گرفت آنگاه به شما کتاب و حکمت بخشید سپس برای هدایت شما اهل کتاب باز رسولی از جانب خدا آمد که گواهی به راستی کتاب و شریعت شما می داد تا به او ایمان آورده و او را یاری کنید. خداوند فرمود: آیا به این موضوع، (به رسول و به آنچه در کتاب آسمانی او قرآن فرستادم) اقرار دارید؟ و از پیمان من پیروی خواهید کرد؟ همه گفتند اقرار داریم خداوند فرمود شما گواه باشید و من هم با شما گواه خواهم بود.» (ال عمران/۸۱) در تفسیر این آیه شریفه از حضرت علی (علیه السلام) نقل شده است: «هنگامی که خداوند آدم و سایر انبیاء را آفرید از آنها عهد و پیمان گرفت که هرگاه، محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) مبعوث شد به او ایمان آورند و یاری اش کنند.» (تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۶۴۰)

خاتمیت پیامبر اسلام: در قرآن کریم و احادیث متواتر آمده است: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ... - محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) پدر هیچ یک از مردان شما نیست لیکن او رسول خدا و خاتم الانبیاء است.» (احزاب/۴۰)

در حدیث «منزلت»، پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به امام علی (علیه السلام) فرمود: «أَمَّا تَرْضَىٰ أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ أَلَا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي - آیا راضی نیستی که نسبت به من، به منزله هارون به موسی باشی، جز آن که پیامبری پس از من نیست؟» (مسند احمد، ج ۳، ص ۶۶. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۵۵)

ولایت پیامبر اعظم: آیات قرآنی، ولایت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) را تثبیت کرده و از مؤمنان می خواهد که اوامر و فرمان های او را اطاعت کنند: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (مائده/۵۵) این آیه با کلمه «انما» که در لغت عرب به معنی انحصار است، شروع شده و می فرماید: ولی و سر پرست و متصرف در امور شما سه کس است: خدا، پیامبر و کسانی که ایمان آورده اند و اقامه نماز و اعطاء زکات در حال رکوع می کنند.

الگو و اسوه حسنه: قرآن کریم شخصیت پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) را یک نمونه و الگو برای پیروی عملی در کلیه شئون فردی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برای همه زمان ها معرفی می کند و از آن به اسوه حسنه تعبیر می نماید تا انسان ها با پیروی و تاسی از آن به کمال رهنمون شوند و این تعبیری منحصر به فرد بوده و در مورد هیچ کدام از انبیای الهی نیامده است. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ...» (احزاب/۲۱)

نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد

حضرت علی (علیه السلام) نیز پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را نمونه کامل الگوپذیری معرفی می کند و می فرماید: «از پیامبر پاک و پاکیزه ات پیروی کن زیرا راه درستش سرمشقی است برای آن که بخواهد تاسی جوید و انتسابی است عالی برای کسی که بخواهد منتسب گردد و محبوبترین بندگان نزد خداوند کسی است که از پیامبرش سرمشق گیرد و قدم به جای قدم او گذارد.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰) و کسی که پا در جای پای او گذارد از محبوب ترین بندگان نزد خداوند است؛ «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (ال عمران/۳۱)

جهان شمولی و جاودانگی اسلام: خداوند متعال در قرآن می فرماید: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (اعراف/۱۵۸)

در حدیثی از امام مجتبی (علیه السلام) نقل شده است: «عده ای از یهود نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آمدند و گفتند: ای محمد تو پیامبر به سوی چه کسی؟ به سوی عرب یا عجم یا ما؟» در پاسخ خداوند آیه فوق را نازل کرد و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را به تمام جهانیان با صراحت اعلام نمود. (بحار الأنوار، ج ۹، ص ۲۹۴)

رهبری سیاسی پیامبر اعظم: آیه کریمه «... أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء/۵۹) و همچنین آیات اول سوره مائده و حدیث غدیر و عموم آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ» (مائده/۵۵) و عموم آیه «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» (احزاب/۶) ناظر بر چنین ولایتی است.

شاهد امت ها و انبیا: قرآن می فرماید: «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا- حال آنها چگونه خواهد بود آن روزی که از هر امتی شاهد و گواه و تو را نیز بر آنان به عنوان گواه می آوریم؟» (نساء/۴۱)

آی انسان ها فرمان پیمبر شنوید گوش تا از سخن خلق فراتر شنوید

روح گردید و از آن روح مطهر شنوید همه با هم سخن خالق داور شنوید

اما آنچه که پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله از پیروانش انتظار دارد این است که:

اولاً: «بیعت آگاهانه»: امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظرها غایبند وظیفه و نقشه راه را مشخص کرده اند. ایشان در ضمن روایتی فرموده اند: «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حَجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ- اما در رویدادهای زمانه، به راویان حدیث ما رجوع کنید. آنان، حجت من بر شمایند و من، حجت خدا بر آنانم.» (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱)

بنابراین وظیفه ما در این زمانه پشتیبانی از ولایت فقیه و پیروی از فرمایشات جانشینان امام زمان علیه السلام است. این ولایت پذیری و ولایتمداری، امروز هم نماد حرکت در خط حضرت مهدی (عج) است. امام زمان (ع) می فرماید: «اگر شیعیان ما با دل های متحد و یکپارچه بر وفای به عهد و پیمان خویش اجتماع می کردند ملاقات ما با آنها به تاخیر نمی افتاد و سعادت دیدار و مشاهده با معرفت برای آنها به زودی حاصل می شد و زودتر از این به دیدار ما نایل می شدند.» (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶، توقیع شریف خطاب به شیخ مفید)

امام امت(ره) فرمود: «اگر فقهای اسلام از صدر اسلام تا حالا نبودند، الان ما از اسلام هیچ نمی دانستیم، این فقها بودند که اسلام را به ما شناساندند و فقه اسلام را تدریس کردند و نوشتند و زحمت کشیدند و به ما تحویل دادند و ما باید همین جهت را حفظ کنیم» (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۵۰)

دوم: «اطاعت خالصانه» داشته باشند؛ قرآن کریم می فرماید: «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا- آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید و اجرا کنید و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید.» (حشر/۷) روشن است که امروز فرمان رسول مکرم اسلام را از زبان ولی فقیه باید شنید و اطاعت نمود. سوم: «دفاع جانانه» وظیفه یک پیرو واقعی، دفاع جانانه از حق و حقیقت است. قرآن کریم می فرماید: «لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ...- تا (شما مردم) به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از او دفاع کنید.» (فتح/۹)

هزاران شهید ملت عزیز اسلام در ایران و سایر بلاد اسلامی به خوبی مصداق این دفاع جانانه را با دفاع از ولایت نشان داده اند و اکنون نوبت ماست. از خداوند توفیق شناخت وظایف و عمل به آن ها و برخورداری از شفاعت پیامبر و آلش(علیهم السلام) و شهادت را مسئلت می کنیم.

بعثت شیعه ز آغاز غدیر است و حراست

بعثت سوم او واقعه ی عاشورا است

پدر شیعه علی، مادر شیعه زهراست

شیعه جان و تنش از آب و گل کربلاست

به خدایی خدایی که جهان را آراست

شیعه بودن شرف و عزت و آزادی ماست

وصلی الله علی محمد وآله